

تفسیر سورہ

حمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد واهل بيته المعصومين

پیشگفتار (چاپ اول)

دروس سطح و مقداری از درس خارج را در حوزه علمیه قم گذرانده بودم که به فکر آشنایی بیشتر با قرآن افتادم. با تنی چند از دوستان، هر کدام تفسیری را مطالعه و مباحثه و خلاصه آنرا یادداشت می‌کردیم، این کار تا پایان چند جزء قرآن ادامه داشت.

در آن ایام شنیدم که آیه‌الله مکارم شیرازی دامت برکاته با جمعی از فضلا تصمیم دارند تفسیری بنویسند. ایشان نوشته‌های تفسیری مرا دیدند و پسندیدند و من نیز به آن جمع پیوستم.

پانزده سال طول کشید تا تفسیر نمونه در ۲۷ جلد به اتمام رسید و تا حال بارها تجدید چاپ و به چند زبان ترجمه شده است. تقریباً نیمی از تفسیر نمونه تمام شده بود که انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه به پیروزی رسید و من از همان روزهای اول بنا به فرمایش مرحوم علامه شهید مطهری به تلویزیون رفتم و الان حدود هفده سال است که هر شب جمعه تحت عنوان درس‌هایی از قرآن در سیمای جمهوری اسلامی ایران برنامه دارم.

همکاری بنده تا پایان تفسیر نمونه ادامه داشت ولی در این بین به فکر افتادم درس تفسیری را در سطح فهم عموم در رادیو شروع کنم. برای این کار، علاوه بر تفسیر نمونه از ده تفسیر دیگر نیز یادداشت‌برداری شد و الان حدود هشت سال است که هر هفته یک روز و در ماه رمضان هر روز برنامه‌ای تحت عنوان «آئینه وحی» از رادیو پخش می‌گردد.

بارها پیشنهاد شد آنچه را که در رادیو می‌گویم به صورت کتاب منتشر شود. تا

اینکه چند جزء از نوشته‌هایم را نزد آیة‌الله حاج‌سیدمهدی روحانی و آیت‌الله مصباح یزدی دامت برکاتهما خواندم و به سبک و برداشت‌های تفسیری خود اطمینان بیشتری پیدا کردم. یادداشت‌ها را برای بازنویسی در اختیار حجة‌الاسلام محمدیان و حجة‌الاسلام محدثی قرار داده و بعد از تدوین آنها را در اختیار مؤسسه در راه حق قم گذاشتم تا زیر نظر آیة‌الله استادی منتشر و در دسترس علاقمندان قرار گیرد.

همکاران

در چهار جزء اول قرآن کریم حجة‌الاسلام دهشیری و حجة‌الاسلام جعفری که نیمی از هفته را به تهران می‌آمدند، در تتبع تفاسیر مرا کمک کردند. و از جزء پنجم تا شانزدهم - که تاریخ نوشتن این پیشگفتار است - حجة‌الاسلام سید جواد بهشتی و حجة‌الاسلام شیخ محمود متوسل در این کار مقدس همکاری داشته‌اند.

امتیازات

- ۱- این تفسیر از اصطلاحات فنی، ادبی، فقهی، کلامی، فلسفی که فهم آن مخصوص گروه خاصی است احتراز کرده و تنها درسهایی از قرآن را که قابل ترجمه به زبان‌های زنده‌ی دنیا و به صورت تابلو و پیام باشد آورده است.
 - ۲- از تفسیر به رأی احتراز شده و تنها از متن آیات و یا روایاتی که از اهل بیت رسول الله ﷺ آمده استفاده شده است.
 - ۳- بیشتر پیام‌ها و درسها از متون تفاسیر معتبر شیعه و سنی استفاده شده و برخی نکات از بنده یا همکاران عزیز بوده است.
- از خداوند می‌خواهم به همه ما اخلاص و توفیق تدبر و عمل و تبلیغ و نشر معارف قرآن را مرحمت فرماید و توفیق اتمام این کار مقدس را مرحمت کرده و قرآن را نور دنیا و برزخ و قیامت ما قرار دهد.
- از مردم عزیز می‌خواهم که به آموزش قرآن تنها در سطح تلاوت و تجوید و

ترتیل و تواشیح اکتفا نکرده و مسأله‌ی اصلی را تدبر و عمل به قرآن قرار دهند. از علما و فضلا می‌خواهم که در تبلیغ و تدریس، قرآن را در متن و مقصد اعلی قرار دهند و در هر منطقه‌ای در مراکز علمی و فرهنگی و مساجد و مدارس جلسات تفسیر قرآن برپا کنند.

از همه کسانی که در آشنایی من با اسلام و قرآن و اهل بیت پیامبر نقش داشته‌اند تشکر می‌کنم و برای آنان به خصوص اساتید و پدر و مادرم از خدای مَنّان جزای خیر خواهانم.

همچنین از کسانی که در تألیف و تدوین و تصحیح و چاپ و نشر این تفسیر مرا یاری کرده‌اند و افرادی که انتقاد یا پیشنهاد سازنده و مفیدی برای تکمیل کار داشته‌اند تشکر می‌کنم.

محسن قرائتی

۷۴/۸/۳

۲۹ / جمادی الاول / ۱۴۱۵

تقریظ آیه‌الله حاج سید مهدی روحانی «دامت برکاته»

بسم الله الرحمن الرحيم

قرآن مجید با تأثیر عظیمی که در زندگی بشر و تحول تاریخ و مخصوصاً مسلمین داشته است، اما چنانکه شایسته و بایسته مقام قرآن بوده به آن توجه نشده و در بین مردم مهجور مانده است و با آنکه خود قرآن فرمود: «و لقد یسرنا القرآن للذکر» ما قرآن را برای پندگیری سهل و آسان قرار دادیم، باز عده‌ای از مطالب قرآنی مورد فراموشی و بی توجهی قرار گرفته است، همانطور که درباره‌ی امم سابقه در قرآن آمده است: «فنسوا حظاً مما ذکروا به»

قرآن مجید از اول تا آخر پیام الهی برای بشر است و آگاهی و آشنایی با تمام پیام لازم است، خصوصاً پیامی که از جانب خدا و مربوط به سعادت دنیوی و ابدی انسان‌ها باشد که تدبّر در تمام آیات و مطالب آن لازم است:

«کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته و لیتذکر اولو الالباب»

این مقدمات مقتضی آن است که تفسیری برای همه قرآن مجید تدوین شود که عمده‌ی نظر بر فهم درک محتوای آیات باشد و روشن شود که این آیه یا آیات چه می‌خواهد افاده کند؟ و چه مطلبی را متعرض است؟ و به اصطلاح جدید تفسیر «بیانی» باشد.

کتاب‌های تفسیر بیشتر به تحقیقات فنی در علوم مختلفه مانند ادبیات و شعب آن، و علم کلام، و مباحثات مذهبی و فرقه‌ای، و فقه و غیرها پرداخته‌اند، و هر صاحب فنی در دائره فن خود و با اصطلاحات رائج آن فن به بحث پرداخته، به علاوه آنکه بحث‌ها بسیار طولانی شده است که همین طولانی بودن بحث یکی از موانعی است که انسان با تمام قرآن مجید آشنا شود. بگذریم که بعضی

آیات را دستاویز عقاید شخصی و یا احیاناً انحرافی خود قرار داده‌اند. در نهضت امام خمینی رحمه الله و انقلاب اسلامی طبعاً توجه به دین مقدس اسلام و مذهب تشیع که بزرگترین مصدر و منبع آن قرآن مجید است، این خلأ بیشتر احساس می‌شد و تدوین یک دوره تفسیر که وافی به نیاز دانشجویان و فرهنگیان فارسی زبان باشد به نظر لازم آمد. امتیازاتی که در تدوین این مجموعه‌ی تفسیری باید مورد توجه بوده باشد این امور است:

- ۱- به زبان ساده و رسا باشد، اما سست نباشد.
 - ۲- از اصطلاحات فنی علوم که باعث مشکل شدن فهم قرآن است دور باشد.
 - ۳- به مطالبی که راه گشای زندگی و قابل عرضه در جامعه مسلمین بلکه قابل ترجمه و انتقال به تمام جوامع انسانی بوده و به راستی «هدی للناس» و «هدی للمتقین» باشد پرداخته شود چه آنکه مطالب قرآن محصور به عصر و زمان معین و یا فرد و جمعیت معینی نیست.
 - ۴- برداشت از آیات از راه دلالت آیات باشد و متکی بر تفسیر به رأی و استحسان‌های دلخواه و روایات ضعیفه نباشد.
 - ۵- روایات معتبره وارده از اهل بیت علیهم السلام که یکی از ثقلین - کتاب الله و عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله - هستند و رجوع به آنها بر حسب دستور رسول اکرم صلی الله علیه و آله لازم است باید مورد نظر باشد.
- این مبادی و اصول در گرد آوری این تفسیر - تفسیر آقای قرائتی - در نظر بوده و چنانچه تخلفی مشاهده شود از روی غفلت بوده و ان شاء الله تعالی اصلاح خواهد شد.
- امیدوارم که دانشمند گرانمایه حجة الاسلام جناب آقای قرائتی که علاوه بر جهات علمی، صاحب ذوق و قریحه‌ای سرشار در تفسیر می‌باشند و لطایف کلمات الهی را به خوبی درک می‌کنند، بر طبق این اصول و امتیازات، تفسیر خود

را به اتمام برسانند.

اینجانب بیشتر از یک جزء تفسیر از این مجموعه را با خود ایشان به مذاکره نشستیم و ضمناً مطالبی را خدمتشان تذکر دادم.

مؤلف عزیز ما پس از ترجمه‌ی هر آیه به زبان ساده و رسا، به شرح محتوای آن آیه با بیان نکاتی که آنها را پیام‌های آیه نامیده، پرداخته است. این نکات در حقیقت روشنگر روح تفسیر و شرح و بسط آن می‌باشد و انصافاً در بسیاری از موارد نکات و برداشت‌های ایشان ابتکاری است و تازگی دارد.

به امید روزی که قرآن کریم در حوزه‌ها و دانشگاه‌های مسلمین محور اصلی قرار گیرد، همانگونه که امام زین العابدین (علیه السلام) در دعای ختم قرآن در صحیفه سجادیه درباره قرآن می‌فرماید:

«و میزان قسط لا یحیف عن الحق لسانه»

قرآن ترازوی عدلی است که از بیان حقّ زبانش کوتاه نیست.

به امید آن که این شیوه تفسیر و روش ابتکاری که مؤلف عزیز ما در پیاده کردن مطالب عالیه قرآن در پیش گرفته، گام اوّل و آخر نباشد و صاحب نظران و محققان در گام‌های بعدی این شیوه را تکمیل نمایند.

«جعلنا الله من المتمسکین بالثقلین بکتاب الله و عتره نبیّه محمد صلی الله علیه وعلیهم»

قم

۹ ربیع الثانی ۱۴۱۴

مهدی الحسینی الروحانی



سخن ناشر

انقلاب اسلامی ایران با رهبری امام خمینی رهبر و حضور ملت مسلمان و مبارزات شهدای گرانقدر قبل و بعد از پیروزی، زمینه‌ی رشد و ترویج فرهنگ اسلامی و خصوصاً قرآن کریم را فراهم آورد. در این راستا دانشمندان درد آشنای حوزه‌های علمیّه، با تألیف کتب مناسب در جهت تبلیغ دین گام‌های بسیاری برداشتند.

کتاب حاضر که پایان بخش مجموعه دوازده جلدی «تفسیر نور» می‌باشد، در جهت مهجوریت‌زادی از قرآن و ارائه پیام‌های انسان‌ساز کلام‌الهی به شیوه‌ای نو و قلمی شیوا، توسط حجّت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی به رشته تحریر درآمده است که در سال ۷۶ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران معرفی گردید.

بدنبال چاپ اولین مجلدات این تفسیر، نظرات و پیشنهادات بسیاری از سوی فضلاء حوزه و دانشگاه طرح گردید که بیانگر علاقه و توجه قشر فرهنگی جامعه، به شناخت مفاهیم قرآن کریم از طریق این شیوه می‌باشد.

اکنون به جهت آشنایی با شیوه‌ی کار و چگونگی ارائه تفسیر نور، این موارد به اختصار بیان می‌شود که می‌تواند به نوبه خود راهگشای طلاب جوان در جهت فعالیت‌های تفسیری باشد.

شیوه کار

پس از انتخاب حداقل دوازده تفسیر معتبر از مفسران شیعه و اهل سنت، از قدما و معاصران، چند تن از طلاب فاضل با مطالعه دقیق آنها، به استخراج نکات و برداشت‌های تفسیری آنها پرداخته و به صورت مکتوب آن را در اختیار مؤلف قرار می‌دهند. ایشان ضمن مطالعه‌ی آن مطالب، خود نیز به تحقیق و تتبع پرداخته و با توجه به نیازهای دینی جامعه، پیام‌های راهبردی قرآن را برای نسل امروز که تشنه‌ی دریافت

مفاهیم قرآنی هستند، در قالب نکات و پیام‌های آیه، با نثری ساده و روان ارائه می‌دهند. البته در برخی موارد نیز برداشت‌های خود را مورد بحث و تبادل نظر با برخی بزرگان حوزه قرار می‌دهند.

نوشته‌های ایشان پس از ارائه در برنامه آینه وحی رادیو، ویراستاری شده و قبل از چاپ یکبار دیگر توسط خودشان مورد بازبینی نهایی قرار می‌گیرد.

شیوه ارائه

مطالب هر آیه در قالب پنج عنوان ارائه می‌گردد:

۱. متن آیه، که با رسم الخط عثمان طه و با اعراب کامل، تایپ گردیده و چندین بار مورد دقت قرار گرفته است.

۲. ترجمه هر آیه، که به صورت گروهی و زیر نظر مؤلف محترم و با استفاده از بهترین ترجمه‌های موجود، (حداقل ۶ ترجمه) نگارش یافته و به جهت گویایی و روانی آن، مطالب توضیحی مورد لزوم در میان پرانتز آمده است.

۳. نکته‌ها، که امور زیر در این قالب عرضه گردیده است:

الف: بیان ریشه و ترجمه‌ی لغات مشکل آیه.

ب: بیان شأن نزول آیه که در فهم محتوای آیه نقش کلیدی داشته است.

ج: بیان آیات مرتبط با آیه که در فهم موضوعی قرآن تأثیر به سزایی دارد.

د: بیان روایات ذیل آیه، که در این بخش با توجه به گستردگی روایات، تنها به ذکر نمونه‌هایی بسنده شده است.

ه: بیان برخی توضیحات برای روشن تر شدن مفهوم آیه.

و: طرح برخی پرسش‌ها و پاسخ‌گویی به آنها.

۴. پیام‌ها، که مقصود اصلی مؤلف از این تفسیر همین بخش بوده است تا نشان دهد قرآن کتاب زندگی بشر در همه‌ی عصرها و برای همه نسل‌هاست. البته مستند برداشت‌های مؤلف، چنانکه در پایان هر پیام آمده است یکی از امور زیر می‌باشد:

الف: مفردات کلمات هر آیه.

ب: عبارتی مرکب از چند کلمه.

ج: رابطه‌ی صدر و ذیل آیه.

د: رابطه‌ی هر آیه با آیات قبل.

۵. پاورقی، که نشانی آیات و روایات و کتب تفسیری را باختصار آورده است. همچنین مطالبی مربوط به آیه که در قالب نکته‌ها و پیام‌ها نمی‌گنجد، در پاورقی ذکر شده است. در مورد کتب تفسیری، هر جا که مراد، مطالب آن تفسیر در ذیل آیه بوده است، نشانی جلد و صفحه ذکر نشده است.

علاقمندان می‌توانند برای دسترسی به متن مجلدات تفسیر نور و دیگر کتب حجّت الاسلام و المسلمین قرائتی با امکان بهره‌گیری از جستجوی لفظی به پایگاه اینترنتی www.Qaraati.net مراجعه نمایند.

همکاران محترم:

در پایان از زحمات **حجج اسلام آقایان: حسن دهشیری، رحمت‌الله جعفری، محمود متوسل** که در تتبع و بررسی تفاسیر و آقای **علی محمد متوسلی** که در امر مقابله و تصحیح نهایی این جلد نهایت همکاری را داشته‌اند صمیمانه تشکر می‌گردد. و همچنین اعلام می‌داریم: با همه‌ی تلاش‌هایی که در جهت حفظ اصول و قواعد فوق و تصحیح اغلاط تایپی صورت گرفته است، یقیناً نواقص و کاستی‌هایی در عرضه این تفسیر وجود دارد که امیدواریم همچون گذشته خوانندگان گرامی بذل محبت نموده و با ارسال نظرات و پیشنهادات خود، به نشانی: **تهران - صندوق پستی ۱۴۱۸۵/۵۸۶** ما را در جهت اصلاح و تکمیل آن یاری نمایند و پیشاپیش سپاس ما را بپذیرا باشند.

مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه چاپ دوازدهم

در سال ۱۳۷۸ برای تجدید چاپ جلد اول توسط «مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن» یک‌بار دیگر «تفسیر نور» را با دقت مطالعه کردم. مطالبی را حذف یا ادغام نموده و مطالب جدیدی را که خداوند به ذهنم انداخت و یا از «تفسیر راهنما» و «نخبة التفاسیر» استفاده کرده بودم به مطالب قبلی اضافه شد.

در یک لحظه به فکر فرو رفتم، نوشته‌ای را که بعد از دو سه سال به دست خودم تغییر می‌دهم، اگر به قیامت برسد و از نظر اولیای خدا و فرشتگان و از همه بالاتر خداوند بگذرد چقدر تغییر خواهد کرد. تازه این اصلاحات و تغییرات به شرطی مفید است که اصل کار با ریا و سُمعه و عُجب، حبط و باطل نشده باشد. به هر حال زحمت‌ها کشیدم، ولی نمی‌دانم حتی یک صفحه‌ی آن در قیامت سبب نجاتم خواهد شد یا نه!

البته قرآن نور است و نقص از کار و نوشته‌های ماست. به هر حال به لطف خداوند امیدوارم تا همانگونه که در گلستان، خاک به گل تبدیل می‌شود، در سایه‌ی آیات نورانی قرآن، نوشته‌های ما نیز به نور تبدیل شود.

اللهم آمین

محسن قرائتی

۷۸/۴/۶

سیمای سوره حمد

سوره‌ی حمد که نام دیگرش «فاتحة الكتاب» است، هفت آیه دارد^(۱) و تنها سوره‌ای است که بر هر مسلمانی واجب است حداقل روزانه ده بار آن را در نمازهای شبانه روزی بخواند وگرنه نماز او باطل است. «لا صلاة الا بفاتحة الكتاب»^(۲) بنا به روایت جابر بن عبد الله انصاری از رسول اکرم ﷺ: این سوره بهترین سوره‌های قرآن است. و به نقل ابن عباس؛ سوره‌ی حمد اساس قرآن است. در حدیث نیز آمده است: اگر هفتاد مرتبه این سوره را بر مرده خواندید و زنده شد، تعجب نکنید.^(۳) از نامگذاری این سوره به «فاتحة الكتاب»، معلوم می‌شود که تمام آیات قرآن در زمان رسول خدا ﷺ جمع آوری شده و به صورت کتاب در آمده است و به امر ایشان این سوره در آغاز و شروع کتاب (قرآن) قرار گرفته است. همچنین در حدیث ثقلین می‌خوانیم که پیامبر ﷺ فرمود: «انّی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی»^(۴) من دو چیز گرانبها در میان شما می‌گذارم، کتاب خدا و خاندانم. از این حدیث نیز معلوم می‌شود که آیات الهی در زمان پیامبر ﷺ به صورت «کتاب الله»

۱. عدد هفت، عدد آسمان‌ها، ایام هفته، طواف، سعی بین صفا و مروه و پرتاب سنگ به شیطان

نیز می‌باشد. ۲. مستدرک، ج ۴، ح ۴۳۶۵. ۳. بحار، ج ۹۲، ص ۲۵۷.

۴. بحار، ج ۲، ص ۱۰۰.

جمع آوری شده و به همین نام در میان مسلمانان معروف و مشهور بوده است. آیات سوره‌ی مبارکه فاتحه، اشاراتی در باره‌ی خداوند و صفات او، مسأله معاد، شناخت و درخواست رهروی در راه حق و قبول حاکمیت و ربوبیت خداوند دارد. همچنین به ادامه‌ی راه اولیای خدا، ابراز علاقه واز گمراهان و غضب‌شدگان اعلام بیزاری و انزجار شده است.

سوره‌ی حمد - همانند خود قرآن - مایه‌ی شفاست، هم شفای دردهای جسمانی و هم شفای بیماری‌های روحی.^(۱)

۱. علامه امینی رحمته‌الله در تفسیر فاتحه‌الکتاب، روایات زیادی را در این زمینه نقل نموده است.

درسهای تربیتی سوره‌ی حمد

- قبل از تفسیر سوره حمد سیمایی از درسهای این سوره را ترسیم نموده و در صفحات بعد به شرح آن می‌پردازیم؛
- ۱- انسان در تلاوت سوره‌ی حمد با «بسم الله» از غیر خدا قطع امید می‌کند.
 - ۲- با «رَبِّ الْعَالَمِينَ» و «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» احساس می‌کند که مربوب و مملوک است و خودخواهی و غرور را کنار می‌گذارد.
 - ۳- با کلمه «عَالَمِينَ» میان خود و تمام هستی ارتباط برقرار می‌کند.
 - ۴- با «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» خود را در سایه لطف او می‌داند.
 - ۵- با «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» غفلتش از آینده زدوده می‌شود.
 - ۶- با گفتن «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» ریا و شهرت طلبی را زایل می‌کند.
 - ۷- با «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» از ابرقدرت‌ها نمی‌هراسد.
 - ۸- از «انعمت» می‌فهمد که نعمت‌ها به دست اوست.
 - ۹- با «اهدنا» ره‌سپاری در راه حق و طریق مستقیم را درخواست می‌کند.
 - ۱۰- در «صراط الذین انعمت علیهم» همبستگی خود را با پیروان حق اعلام می‌کند.
 - ۱۱- با «غیر المغضوب علیهم» و «لا الضَّالِّین» بیزاری و برائت از باطل و اهل باطل را ابراز می‌دارد.

﴿ ۱ ﴾ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

نکته‌ها:

□ در میان اقوام و ملل مختلف، رسم است که کارهای مهم و با ارزش را به نام بزرگی از بزرگان خویش که مورد احترام و علاقه‌ی آنهاست، شروع می‌کنند تا آن کار میمون و مبارک گردد و به انجام رسد. البته آنان بر اساس اعتقادات صحیح یا فاسد خویش عمل می‌کنند. گاهی به نام بت‌ها و طاغوت‌ها و گاهی با نام خدا و به دست اولیای خدا، کار را شروع می‌کنند. چنانکه در جنگ خندق، اولین کلنگ را رسول خدا ﷺ بر زمین زد.^(۱)

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ سر آغاز کتاب الهی است. ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ نه تنها در ابتدای قرآن، بلکه در آغاز تمام کتاب‌های آسمانی بوده است. در سر لوحه‌ی کار و عمل همه‌ی انبیا ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ قرار داشت. وقتی کشتی حضرت نوح در میان امواج طوفان به راه افتاد، نوح ﷺ به یاران خود گفت: سوار شوید که ﴿بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِبَهَا وَ مَرَسِبَهَا﴾^(۲) یعنی حرکت و توقف این کشتی با نام خداست. حضرت سلیمان ﷺ نیز وقتی ملکه سبا را به ایمان فراخواند، دعوتنامه خود را با جمله‌ی ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾^(۳) آغاز نمود. □ حضرت علی ﷺ فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ»، مایه برکت کارها و ترک آن موجب نافرجامی است. همچنین آن حضرت به شخصی که جمله‌ی «بِسْمِ اللَّهِ» را می‌نوشت، فرمود: «جَوِّدْهَا» آنرا نیکو بنویس.^(۴)

۳. نمل، ۳۰.

۲. هود، ۴۱.

۱. بحار، ج ۲۰ ص ۲۱۸.

۴. کنز العمال، ح ۲۹۵۵۸.

□ بر زبان آوردن «بسم الله» در شروع هر کاری سفارش شده است؛ در خوردن و خوابیدن و نوشتن، سوارشدن بر مرکب و مسافرت و بسیاری کارهای دیگر. حتی اگر حیوانی بدون نام خدا ذبح شود، مصرف گوشت آن حرام است و این رمز آن است که خوراک انسان‌های هدف‌دار و موحد نیز باید جهت الهی داشته باشد. در حدیث می‌خوانیم: «بسم الله» را فراموش نکن، حتی در نوشتن یک بیت شعر. و روایاتی در پاداش کسی که اولین بار «بسم الله» را به کودک یاد بدهد، وارد شده است.^(۱)

سؤال: چرا در شروع هر کاری «بسم الله» سفارش شده است؟

پاسخ: «بسم الله» آرم و نشانه‌ی مسلمانی است و باید همه کارهای او رنگ الهی داشته باشد. همانگونه که محصولات و کالاهای ساخت یک کارخانه، آرم و علامت آن کارخانه را دارد؛ خواه به صورت جزئی باشد یا کلی. مثلاً یک کارخانه چینی سازی، علامت خود را روی تمام ظروف می‌زند، خواه ظرف‌های بزرگ باشد یا ظرف‌های کوچک. یا اینکه پرچم هر کشوری هم بر فراز ادارات و مدارس و پادگان‌های آن کشور است و هم بر فراز کشتی‌های آن کشور در دریاها، و هم بر روی میز اداری کارمندان.

سؤال: آیا «بسم الله الرحمن الرحيم» آیه‌ای مستقل است؟

پاسخ: به اعتقاد اهل بیت رسول الله ﷺ که صد سال سابقه بر سایر رهبران فقهی مذاهب دارند و در راه خدا به شهادت رسیده و در قرآن نیز عصمت و پاکی آنها به صراحت بیان شده است، آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» آیه‌ای مستقل و جزء قرآن است. فخر رازی در تفسیر خویش شانزده دلیل آورده که «بسم الله» جزء سوره است. آلوسی نیز همین اعتقاد را دارد. در مسند احمد نیز «بسم الله» جزء سوره شمرده شده است.^(۲) برخی از افراد که بسم الله را جزء سوره ندانسته و یا در نماز آن را ترک کرده‌اند، مورد اعتراض واقع شده‌اند. در مستدرک حاکم آمده است:

۱. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۳.

۲. مسند احمد، ج ۳، ص ۱۷۷ و ج ۴، ص ۸۵.

روزی معاویه در نماز بسم الله نگفت، مردم به او اعتراض نمودند که «اَسْرَقْتَ امَّ نَيْسَت»، آیه را دزدیدی یا فراموش کردی؟! (۱)

امامان معصوم علیهم السلام اصرار داشتند که در نماز، بسم الله را بلند بگویند. امام باقر علیه السلام در مورد کسانی که «بسم الله» را در نماز نمی خواندند و یا جزء سوره نمی شمردند، می فرمود: «سَرَقُوا اَكْرَمَ آيَةٍ» (۲) بهترین آیه قرآن را به سرقت بردند. در سنن بیهقی در ضمن حدیثی آمده است: چرا بعضی «بسم الله» را جزء سوره قرار نداده اند! (۳)

شهید مطهری رحمته الله در تفسیر سوره حمد، ابن عباس، عاصم، کسایی، ابن عمر، ابن زبیر، عطاء، طاووس، فخر رازی و سیوطی را از جمله کسانی معرفی می کند که بسم الله را جزء سوره می دانستند.

در تفسیر قرطبی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «بسم الله» تاج سوره هاست. تنها در آغاز سوره براءة (سوره توبه) بسم الله نیامده و این به فرموده حضرت علی علیه السلام به خاطر آن است که «بسم الله» کلمه امان و رحمت است، و اعلام براءة از کفار و مشرکین، با اظهار محبت و رحمت سازگار نیست. (۴)

سیمای «بسم الله»

- ۱- «بسم الله» نشانگر رنگ و صبغه ی الهی و بیانگر جهت گیری توحیدی ماست. (۵)
- ۲- «بسم الله» رمز توحید است و ذکر نام دیگران به جای آن رمز کفر، و قرین کردن نام خدا بانام دیگران، نشانه ی شرک. نه در کنار نام خدا، نام دیگری را ببریم و نه به جای نام او. (۶)
- ۳- «بسم الله» رمز بقا و دوام است. زیرا هر چه رنگ خدایی نداشته باشد، فانی است. (۷)

۱. مستدرک، ج ۳، ص ۲۳۳. ۲. بحار، ج ۸۵، ص ۲۰. ۳. سنن بیهقی، ج ۲، ص ۵۰.

۴. تفسیر مجمع البیان و فخر رازی.

۵. امام رضا علیه السلام می فرماید: بسم الله یعنی نشان بندگی خدا را بر خود می نهم. تفسیر نور الثقلین.

۶. نه فقط ذات او، بلکه نام او نیز از هر شریکی منزّه است؛ «سَبَّحَ اسْمُ رَبِّكَ الْاَعْلَى» حتّی شروع

کردن کار به نام خدا و محمد صلی الله علیه و آله ممنوع است. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۴۸۲.

۷. «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَهُ» قصص، ۸۸.

۴- ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ رمز عشق به خدا و توکل به اوست. به کسی که رحمن و رحیم است عشق می‌ورزیم و کارمان را با توکل به او آغاز می‌کنیم، که بردن نام او سبب جلب رحمت است.

۵- ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ رمز خروج از تکبر و اظهار عجز به درگاه الهی است.

۶- ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ گام اول در مسیر بندگی و عبودیت است.

۷- ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ مایه‌ی فرار شیطان است. کسی که خدا را همراه داشت، شیطان در او مؤثر نمی‌افتد.

۸- ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ عامل قداست یافتن کارها و بیمه کردن آنهاست.

۹- ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ ذکر خداست، یعنی که خدایا من تو را فراموش نکرده‌ام.

۱۰- ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ بیانگر انگیزه ماست، یعنی خدایا هدفم تو هستی نه مردم، نه طاغوت‌ها و نه جلوه‌ها و نه هوس‌ها.

۱۱- امام رضا علیه السلام فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ» به اسم اعظم الهی، از سیاهی چشم به سفیدی آن نزدیک‌تر است.^(۱)

پیام‌ها:

۱- ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ در آغاز سوره، رمز آن است که مطالب سوره، از مبدأ حق و مظهر رحمت نازل شده است.

۲- ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ در آغاز کتاب، یعنی هدایت تنها با استعانت از او محقق می‌شود.^(۲)

۳- ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ کلامی که سخن خدا با مردم و سخن مردم با خدا، با آن شروع می‌شود.

۴- رحمت الهی همچون ذات او ابدی و همیشگی است. ﴿اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾

۱. تفسیر راهنما.

۲. شاید معنای اینکه می‌گویند: تمام قرآن در سوره حمد، و تمام سوره حمد در بسم‌الله، و تمام بسم‌الله در حرف (باء) خلاصه می‌شود، این باشد که آفرینش هستی و هدایت آن، همه بنا استمداد از اوست. چنانکه رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز با نام او آغاز گردید. ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ﴾

- ۵- بیان رحمت الهی در قالب‌های گوناگون، نشانه‌ی اصرار بر رحمت است. (هم قالب «رحمن»، هم قالب «رحیم») ﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾
- ۶- شاید آوردن کلمه رحمن و رحیم در آغاز کتاب، نشانه این باشد که قرآن جلوه‌ای از رحمت الهی است، همانگونه که اصل آفرینش و بعثت جلوه لطف و رحمت اوست. ﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾

﴿۲﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

نکته‌ها:

- «رَبِّ» به کسی گفته می‌شود که هم مالک و صاحب چیزی است و هم در رشد و پرورش آن نقش دارد. خداوند هم صاحب حقیقی عالم است و هم مدبّر و پروردگار آن. پس همه هستی حرکت تکاملی دارد و در مسیری که خداوند معین کرده، هدایت می‌شود.
- علاوه بر سوره حمد، چهار سوره‌ی انعام، کهف، سبأ و فاطر نیز با جمله ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾ آغاز گردیده، ولی فقط در سوره حمد بعد از آن ﴿رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ آمده است.
- مفهوم حمد، ترکیبی از مفهوم مدح و شکر است. انسان در برابر جمال و کمال و زیبایی، زبان به ستایش و در برابر نعمت و خدمت و احسان دیگران، زبان به تشکر می‌گشاید. خداوند متعال به خاطر کمال و جمالش، شایسته‌ی ستایش و به خاطر احسان‌ها و نعمت‌هایش، لایق شکرگزاری است.
- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾ بهترین نوع تشکر از خداوند است. هر کس در هر جا، با هر زبانی، هرگونه ستایشی از هر کمال و زیبایی دارد، در حقیقت سرچشمه‌ی آن را ستایش می‌کند. البتّه حمد خداوند منافات با سپاسگزاری از مخلوق ندارد، به شرط آنکه به امر خدا و در خط و مسیر او باشد.
- خداوند مسیر رشد و تربیت همه را تعیین نموده است: ﴿رَبَّنَا الَّذِي اَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ

خلقه ثمّ هدی»^(۱) پروردگار ما همه‌ی موجودات را نعمت وجود بخشیده و سپس به راه کمالش هدایت نموده است. او به زنبور عسل یاد داده که از چه گیاهی بمکد و به مورچه آموخته است که چگونه قوت زمستانی خود را ذخیره کند و بدن انسان را چنان آفریده که هرگاه کمبود خون پیدا کرد، خون سازی نماید. چنین خداوندی، شایسته حمد و سپاسگزاری است.

■ خداوند، پروردگار همه‌ی آفریده‌هاست. «و هو ربّ کلّ شیء»^(۲) آنچه در آسمان‌ها و زمین و میان آنهاست، پروردگارشان اوست. «ربّ السموات والارض و ما بینهما»^(۳) حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «من الجادات والحيوانات» یعنی او پروردگار جاندار و بی‌جان است. «له الخلق والامر تبارك الله ربّ العالمین» هم آفرینش از اوست و هم اداره‌ی آن، و او پرورش دهنده‌ی همه است.

■ مراد از «عالمین» یا فقط انسان‌ها هستند، مانند آیه ۷۰ سوره حجر که قوم لوط به حضرت لوط گفتند: «أولم ننهك عن العالمین» آیا ما تو را از ملاقات با مردم نهی نکردیم؟ و یا مراد همه‌ی عوالم هستی است. «عالم» به معنای مخلوقات و «عالمین» به معنای تمام مخلوقات نیز استعمال شده است. از این آیه فهمیده می‌شود که تمام هستی یک پروردگار دارد که اوست و آنچه در جاهلیت و در میان بعضی از ملّت‌ها اعتقاد داشتند که برای هر نوع از پدیده‌ها خدایی است و آن را مدّبر و ربّ النوع آن می‌پنداشتند، باطل است.

پیام‌ها:

- ۱- همه ستایش‌ها برای اوست. «الحمد لله»^(۴)
- ۲- خداوند در تربیت و رشد هستی اجباری ندارد. زیرا حمد برای کارهای غیر اجباری است. «الحمد لله»

۱. طه، ۵۰. ۲. انعام، ۱۶۴. ۳. شعراء، ۲۴.

۴. الف و لام در «الحمد» به معنای تمام حمد و جنس ستایش است.

- ۳- همه هستی زیباست و تدبیر همه هستی نیکوست. زیرا حمد برای زیبایی و نیکویی است. ﴿الحمد لله﴾
- ۴- دلیل ستایش ما، پروردگاری اوست. ﴿الحمد لله رب العالمین﴾
- ۵- رابطه‌ی خداوند با مخلوقات، رابطه‌ی دائمی و تنگاتنگ است. ﴿رب العالمین﴾ (نقاش و بنا هنر خود را عرضه می‌کند و می‌رود، ولی مربی باید هر لحظه نظارت داشته باشد).
- ۶- همه‌ی هستی، تحت تربیت خداوند یکتاست. ﴿رب العالمین﴾
- ۷- امکان رشد و تربیت، در همه‌ی موجودات وجود دارد. ﴿رب العالمین﴾
- ۸- خداوند هم انسان‌ها را با راهنمایی انبیا تربیت می‌کند، (تربیت تشریعی) و هم جمادات و نباتات و حیوانات را رشد و پرورش می‌دهد. (تربیت تکوینی) ﴿رب العالمین﴾
- ۹- مؤمنان در آغاز کتاب (قرآن) با نیایش به درگاه خداوند متعال، ﴿الحمد لله رب العالمین﴾ می‌گویند و در پایان کار در بهشت نیز، همان شعار را می‌دهند که ﴿آخر دعویهم أن الحمد لله رب العالمین﴾^(۱)

﴿۳﴾ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

(خدایی که) بخشنده و مهربان است.

نکته‌ها:

- کلمه «رَحْمَن» به معنای مبالغه و شدت در رحمت و گستردگی آن است. از کاربرد دو صفت «رَحْمَن» و «رَحِيم» در قرآن، استفاده می‌شود که رحمانیت درباره همه‌ی مخلوقات و رحیم بودن، مربوط به انسان و موجودات مکلف است.
- خداوند رحمت را بر خود واجب کرده است، ﴿کَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ﴾^(۲) و رحمت او بر همه چیز سایه گسترده است، ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾^(۳) همچنین

۱. یونس، ۱۰.

۲. انعام، ۵۴.

۳. اعراف، ۱۵۶.

پیامبر و کتاب او مایه رحمتند، ﴿رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾^(۱) آفرینش و پرورش او براساس رحمت است و اگر عقوبت نیز می‌دهد از روی لطف است. بخشیدن گناهان و قبول توبه‌ی بندگان و عیب‌پوشی از آنان و دادن فرصت برای جبران اشتباهات، همه مظاهر رحمت و مهربانی اوست.

پیام‌ها:

- ۱- تدبیر و تربیت الهی، همراه محبت و رحمت است. (در کنار کلمه «رَبِّ»، کلمه «رحمن» آمده است.) ﴿رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾
- ۲- همچنان که تعلیم نیازمند رحم و مهربانی است، ﴿الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ﴾^(۲) تربیت و تزکیه نیز باید بر اساس رحم و مهربانی باشد. ﴿رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾
- ۳- رحمانیت خداوند، دلیل بر ستایش اوست. ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ... الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿۴﴾ مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ

(خدایی که) مالک روز جزاست.

نکته‌ها:

- مالکیت خداوند، حقیقی است و شامل احاطه و سلطنت است، ولی مالکیت‌های اعتباری، از سلطه‌ی مالک خارج می‌شود و تحت سلطه‌ی واقعی او نیست. ﴿مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ﴾
- با آنکه خداوند مالک حقیقی همه چیز در همه وقت است، ولی مالکیت او در روز قیامت و معاد جلوه‌ی دیگری دارد؛
- * در آن روز تمام واسطه‌ها و اسباب قطع می‌شوند. ﴿تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ﴾^(۳)
- * نسبت‌ها و خویشاوندی‌ها از بین می‌رود. ﴿فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ﴾^(۴)

۳. بقره، ۱۶۶.

۲. الرحمن، ۱-۲.

۱. انبیاء، ۱۰۷.

۴. مؤمنون، ۱۰۱.

- * مال و ثروت و فرزندان، ثمری ندارند. ﴿لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ﴾^(۱)
- * بستگان و نزدیکان نیز فایده‌ای نمی‌رسانند. ﴿لَنْ تَنْفَعَكُم اَرْحَامُكُمْ﴾^(۲)
- * نه زبان، اجازه عذر تراشی دارد و نه فکر، فرصت تدبیر. تنها راه چاره لطف خداوند است که صاحب اختیار آن روز است.
- لفظ «دین» در معانی گوناگون به کار رفته است:
- الف: مجموعه‌ی قوانین آسمانی. ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾^(۳)
- ب: عمل و اطاعت. ﴿لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ﴾^(۴)
- ج: حساب و جزا. ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾
- «یوم الدِّین» در قرآن به معنای روز قیامت است که روز کیفر و پاداش می‌باشد.
- ﴿يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ﴾^(۵) می‌پرسند روز قیامت چه وقت است؟ قرآن در مقام معرفی این روز، چنین می‌فرماید: ﴿ثُمَّ مَا أَدْرِكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ . يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ شَيْئًا وَ الْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ﴾^(۶) (ای پیامبر!) نمی‌دانی روز دین چه روزی است؟ روزی که هیچ کس برای کسی کارایی ندارد و آن روز تنها حکم و فرمان با خداست.
- ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ نوعی انذار و هشدار است، ولی با قرار گرفتن در کنار آیه‌ی «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» معلوم می‌شود که بشارت و انذار باید در کنار هم باشند. نظیر آیه شریفه دیگر که می‌فرماید: ﴿نَبِّءْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ . وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ﴾^(۷) به بندگانم خبر ده که من بسیار مهربان و آمرزنده‌ام، ولی عذاب و مجازات من نیز دردناک است. همچنین در آیه دیگر خود را چنین معرفی می‌کند: ﴿قَابِلُ التَّوْبِ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^(۸) خداوند پذیرنده‌ی توبه مردمان و عقوبت کننده‌ی شدید گناهکاران است.
- در اولین سوره‌ی قرآن، مالکیت خداوند عنوان شده است، ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ و در آخرین سوره، ملکیت او. ﴿مَلِكِ النَّاسِ﴾

۱. شعراء، ۸۸.	۲. ممتحنه، ۳.	۳. آل عمران، ۱۹.
۴. زمر، ۳.	۵. ذاریات، ۱۲.	۶. انفطار، ۱۸ - ۱۹.
۷. حجر، ۴۹ - ۵۰.	۸. غافر، ۳.	

پیام‌ها:

۱- خداوند متعال، از جهات مختلف قابل عبادت است و ما باید حمد و سپاس او را به جا آوریم. به خاطر کمال ذات و صفات او که «اللَّهُ» است، به خاطر احسان و تربیت او که «رَبِّ الْعَالَمِينَ» است و به خاطر امید و انتظار رحم و لطف او که «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» است و به خاطر قدرت و هیبت او که «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» است.

۲- قیامت، پرتوی از ربوبیت اوست. «رَبِّ الْعَالَمِينَ... مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»

۳- قیامت، جلوه‌ای از رحمت خداوند است. «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»

﴿۵﴾ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

(خدایا) تنها ترا می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوئیم.

نکته‌ها:

■ انسان باید به حکم عقل، بندگی خداوند را بپذیرد. ما انسان‌ها عاشق کمال هستیم و نیازمند رشد و تربیت، و خداوند نیز جامع تمام کمالات و ربّ همه‌ی هستی است. اگر به مهر و محبت نیازمندیم او رحمان و رحیم است و اگر از آینده دور نگرانیم، او صاحب اختیار و مالک آن روز است. پس چرا به سوی دیگران برویم؟! عقل حکم می‌کند که تنها باید او را پرستید و از او کمک خواست. نه بنده هوی و هوس خود بود و نه بنده زر و زور دیگران.

■ در نماز، گویا شخص نمازگزار به نمایندگی از تمام خداپرستان می‌گوید: خدایا نه فقط من که همه‌ی ما بنده توایم، و نه تنها من که همه‌ی ما محتاج و نیازمند لطف توایم.

■ خدایا! من کسی جز تو را ندارم «إِيَّاكَ» ولی تو غیر مرا فراوان داری و همه هستی عبد و بنده‌ی تو هستند. «أَن كُلِّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِلَّا أَتَى الرَّحْمَنَ عَبْدًا»^(۱) در آسمان‌ها و زمین هیچ چیزی نیست مگر این که بنده و فرمان بردار تو هستند.

- جمله «نعبد» هم اشاره به این دارد که نماز به جماعت خوانده شود و هم بیانگر این است که مسلمانان همگی برادر و در یک خط هستند.
- مراحل پرواز معنوی، عبارت است از: ثنا، ارتباط و سپس دعا. بنابراین اول سوره‌ی حمد ثناست، آیه‌ی «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» ارتباط و آیات بعد، دعا می‌باشد.
- چون گفتگو با محبوب واقعی شیرین است، لذا کلمه «إِيَّاكَ» تکرار شد.

پیام‌ها:

- ۱- ابتدا باید بندگی خدا کرد، آنگاه از او حاجت خواست. «نعبد، نستعین»
- ۲- بندگی، تنها در برابر خداوند رواست نه دیگران. «إِيَّاكَ»
- ۳- قوانین حاکم بر طبیعت محترم است، ولی اراده‌ی خداوند حاکم و قوانین طبیعی، محکوم هستند.^(۱) لذا فقط از او کمک می‌خواهیم. «إِيَّاكَ نستعین»
- ۴- گر چه عبادت از ماست، ولی در عبادت کردن نیز نیازمند کمک او هستیم. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»^(۲)
- ۵ - چون خداوند بیشترین لطف را بر ما کرده، ما بهترین تذلل را به درگاهش می‌بریم. «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ إِيَّاكَ نَعْبُدُ»
- ۶- «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» یعنی نه جبر است و نه تفویض. چون می‌گوییم: «نعبد» پس دارای اختیار هستیم و نه مجبور. و چون می‌گوییم: «نستعین» پس نیاز به او داریم و امور به ما تفویض نشده است.
- ۷- عبادت، مقدمه و وسیله‌ی استمداد است. ابتدا عبادت آمده آنگاه استمداد. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»
- ۸- شناخت خداوند و صفات او، مقدمه دست‌یابی به توحید و یکتاپرستی است. «رَبِّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، إِيَّاكَ نَعْبُدُ»

۱. در نظام خلقت، از اسباب و وسایل بهره‌مند می‌شویم، اما می‌دانیم کارآیی یا بی‌اثری هر سبب و وسیله‌ای، بدست اوست. او سبب ساز است و سبب سوز.
۲. «و ما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله» اگر هدایت الهی نبود ما هدایت نمی‌یافتیم. اعراف، ۴۳.

- ۹- از آداب دعا و پرستش این است که انسان خود را مطرح نکند و خود را در حضور خداوند احساس کند. «ایاک نعبد...»
 ۱۰- توجّه به معاد، یکی از انگیزه‌های عبادت است. «مالك يوم الدين اياك نعبد»

﴿۶﴾ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

(خداوندا!) ما را به راه راست هدایت فرما.

نکته‌ها:

- در قرآن مجید دو نوع هدایت مطرح شده است:
 الف: هدایت تکوینی، نظیر هدایت زنبور عسل که چگونه از شهد گلها بمکد و چگونه کند و بسازد. و یا هدایت و راهنمایی پرندگان در مهاجرت‌های زمستانی و تابستانی. آنجا که قرآن می‌فرماید: «رَبَّنَا الَّذِي اَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى»^(۱) بیانگر این نوع از هدایت است.
- ب: هدایت تشریعی که همان فرستادن انبیای الهی و کتب آسمانی برای هدایت بشر است.
- کلمه‌ی «صراط»^(۲) بیش از چهل مرتبه در قرآن آمده است. انتخاب راه و خط فکری صحیح، نشانه‌ی شخصیت انسان است.
- راههای متعدّدی در برابر انسان قرار دارد که او باید یکی را انتخاب کند:
 - * راه خواسته‌ها و هوس‌های خود.
 - * راه انتظارات و هوس‌های مردم.
 - * راه وسوسه‌های شیطان.
 - * راه طاغوت‌ها.
 - * راه نیاکان و پیشینیان.

۱. طه، ۵۰.

۲. «صراط» در قیامت نام پلی است بر روی دوزخ که همه‌ی مردم باید از روی آن عبور کنند.

✽ راه خدا و اولیای خدا.

انسان مؤمن، راه خداوند و اولیای او را انتخاب می‌کند که بر دیگر راهها امتیازاتی دارد:

الف: راه الهی ثابت است، بر خلاف راه‌های طاغوت‌ها و هوس‌های مردم و هوس‌های شخصی که هر روز تغییر می‌کنند.

ب: یک راه بیشتر نیست، در حالی که راه‌های دیگر متعدد و پراکنده‌اند.

ج: در پیمودن آن، انسان به مسیر و مقصد مطمئن است.

د: در پیمودن آن، شکست و باخت وجود ندارد.

□ راه مستقیم، راه خداست. ﴿إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^(۱)

✽ راه مستقیم، راه انبیاست. ﴿أَتَاكَ لِنِ الْمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^(۲)

✽ راه مستقیم، راه بندگی خداست. ﴿وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾^(۳)

✽ راه مستقیم، توکل و تکیه بر خداست. ﴿مَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^(۴)

✽ راه مستقیم، یکتاپرستی و تنها یاری خواستن از اوست.^(۵)

✽ راه مستقیم، کتاب خداوند است.^(۶)

✽ راه مستقیم، راه فطرت سالم است.^(۷)

□ انسان، هم در انتخاب راه مستقیم و هم در تداوم آن باید از خدا کمک بگیرد.

مانند لامپی که روشنی خود را هر لحظه از نیروگاه می‌گیرد.

□ در راه مستقیم بودن، تنها خواسته‌ای است که هر مسلمان، در هر نماز از خداوند

طلب می‌کند، حتی رسول الله ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام از خداوند ثابت ماندن در راه مستقیم را می‌خواهند.

۱. هود، ۵۶.

۲. یس، ۳ - ۴.

۳. یس، ۶۱.

۴. آل عمران، ۱۰۱.

۵. بنا بر اینکه الف و لام در «الصراط» اشاره به همان راه یکتاپرستی در آیه قبل باشد.

۶. بنابر روایتی در تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۵۸.

۷. بنابر روایتی از امام صادق علیه السلام در تفسیر صافی، ج ۱، ص ۸۶.

□ انسان باید همواره، در هر نوع از کارهای خویش، اعم از انتخاب شغل، دوست، رشته‌ی تحصیلی و همسر، راه مستقیم را از خداوند بخواهد. زیرا چه بسا در عقاید، صحیح فکر کند، ولی در عمل دچار لغزش شود و یا بالعکس. پس هر لحظه، خواستن راه مستقیم از خدا، ضروری است.

□ راه مستقیم مراتب و مراحل دارد. حتی کسانی که در راه حق هستند، مانند اولیای خداوند، لازم است برای ماندن در راه و زیاد شدن نور هدایت، دعا کنند. ﴿وَالَّذِينَ اهْتَدُوا زَادَهُمْ هُدًى﴾^(۱)

□ راه مستقیم، همان راه میانه و وسط است که حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الْبَيْنُ وَ الشَّمَالُ مَضَلَّةٌ وَ الطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ»^(۲) انحراف به چپ و راست گمراهی و راه وسط، جاده‌ی هدایت است.

□ راه مستقیم یعنی میانه‌روی و اعتدال و احتراز از هر نوع افراط و تفریط، چه در عقیده و چه در عمل. یکی در عقاید از راه خارج می شود و دیگری در عمل و اخلاق. یکی همه کارها را به خدا نسبت می دهد، گویا انسان هیچ نقشی در سرنوشت خویش ندارد. و دیگری خود را همه کاره و فعال مایشاء دانسته و دست خدا را بسته می داند. یکی رهبران آسمانی را همچون مردمان عادی و گاهی ساحر و مجنون معرفی می کند و دیگری آن بزرگواران را در حدّ خدا می پندارد. یکی زیارت امامان معصوم و شهدا را بدعت می داند و دیگری حتی به درخت و دیوار، متوسل شده و ریسمان می بندد. یکی اقتصاد را زیر بنا می داند و دیگری، دنیا و امورات آن را نادیده می انگارد.

در عمل نیز یکی غیرت نابجا دارد و دیگری همسرش را بی حجاب به کوچه و بازار می فرستد. یکی بخل می ورزد و دیگری بی حساب سخاوت به خرج

۱. کسی که می گوید «الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم...» مراحل از هدایت را پشت سر گذارده است، بنابراین درخواست او، هدایت به مرحله بالاتری است.

۲. بحار، ج ۸۷، ص ۳.

می دهد. یکی از خلق جدا می شود و دیگری حق را فدای خلق می کند. اینگونه رفتار و کردارها، انحراف از مسیر مستقیم هدایت است. خداوند دین پا برجا و استوار خود را، راه مستقیم معرفی می کند.^(۱) در روایات آمده است که امامان معصوم علیهم السلام می فرمودند: راه مستقیم، ما هستیم.^(۲) یعنی نمونه ی عینی و عملی راه مستقیم و اسوه و الگو برای قدم برداشتن در راه، رهبران آسمانی هستند. آنها در دستورات خود درباره ی تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، تغذیه، انفاق، انتقاد، قهر، صلح و علاقه به فرزند و ...، نظر داده و ما را به اعتدال و میانه روی سفارش کرده اند.^(۳) جالب آنکه ابلیس در همین صراط مستقیم به کمین می نشیند.^(۴)

■ در قرآن و روایات، نمونه های زیادی آمده که در آنها به جنبه ی اعتدال، تأکید و از افراط و تفریط نهی شده است. به موارد ذیل توجه کنید:

- * ﴿کلوا و اشربوا و لا تسرفوا﴾^(۵) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید.
- * ﴿لا تجعل يدك مغلولةً الى عنقك و لا تبسطها کل البسط﴾^(۶) در انفاق، نه دست برگردن قفل کن - دست بسته باش - و نه چنان گشاده دستی کن که خود محتاج شوی.
- * ﴿الذين اذا أنفقوا لم يسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلك قواماً﴾^(۷) مومنان، به هنگام انفاق نه اهل اسرافند و نه اهل بخل، بلکه میانه رو هستند.
- * ﴿لا تجهروا بصوتک و لا تخافت بها وایتغ بین ذلك سیلاً﴾^(۸) نماز را نه بلند بخوان و نه آهسته، بلکه با صدای معتدل نماز بخوان.

* نسبت به والدین احسان کن؛ ﴿و بالوالدین احساناً﴾^(۹) امّا اگر تو را از راه خدا بازداشتند، اطاعت از آنها لازم نیست. ﴿ان جاهدک علی ان تشرک بی... فلا تطعها﴾^(۱۰)

۱. ﴿قل اننی هدانی ربی الی صراط مستقیم﴾ انعام، ۱۶۱. ۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۱ ص ۲۰.

۳. در این باره می توان به کتاب اصول کافی، باب الاقتصاد فی العبادات مراجعه نمود.

۴. شیطان به خدا گفت: ﴿لا قعدنّ لهم صراطک المستقیم﴾ اعراف، ۱۶.

۵. اعراف، ۳۱. ۶. اسراء، ۲۹. ۷. فرقان، ۶۷.

۸. اسراء، ۱۱۰. ۹. بقره، ۸۳. ۱۰. لقمان، ۱۵.

* پیامبر هم رسالت عمومی دارد؛ «و کان رسولاً نبیاً»^(۱) و هم خانواده خویش را دعوت می‌کند. «و کان یأمر اهله بالصلوة»^(۲)

* اسلام هم نماز را سفارش می‌کند که ارتباط با خالق است؛ «اقیموا الصلوة» و هم زکات را توصیه می‌کند که ارتباط با مردم است. «اتوا الزکوة»^(۳)

* نه محبت‌ها شما را از گواهی حق منحرف سازد؛ «شهداء لله و لو علی انفسکم»^(۴) و نه دشمنی‌ها شما را از عدالت دور کند. «و لا یجریمنکم شئان»^(۵)

* مؤمنین هم دافعه دارند؛ «أشداء علی الکفار» و هم جاذبه دارند. «رحماء بینهم»^(۶)

* هم ایمان و باور قلبی لازم است؛ «امنوا» و هم عمل صالح. «عملوا الصالحات»^(۷)

* هم اشک و دعا و درخواست پیروزی از خدا لازم است؛ «ربنا افرغ علینا صبراً»^(۸) و هم صبوری و پایداری در سختی‌ها. «عشرون صابرون یغلبوا مأتین»^(۹) شب عاشورا امام حسین علیه السلام هم مناجات می‌کرد و هم شمشیر تیز می‌کرد.

* روز عرفه و شب عید قربان، زائر خانه‌ی خدا دعا می‌خواند و روز عید باید در قربانگاه با خون آشنا شود.

* اسلام مالکیت را می‌پذیرد، «الناس مسلطون علی اموالهم»^(۱۰) ولی اجازه ضرر زدن به دیگری را نمی‌دهد و آن را محدود می‌سازد. «لا ضرر و لا ضرار»^(۱۱)

آری، اسلام دین یک بعدی نیست که تنها به جنبه‌ای توجه کند و جوانب دیگر را فراموش کند، بلکه در هر کاری اعتدال و میانه‌روی و راه مستقیم را سفارش می‌کند.

پیام‌ها:

۱- همه‌ی هستی، در مسیری که خداوند اراده کرده در حرکتند. خدایا! ما را نیز در راهی که خود دوست داری قرار بده. «اهدنا الصراط المستقیم»

۱. مریم، ۵۱.	۲. مریم، ۱۵.	۳. بقره، ۴۳.
۴. نساء، ۱۳۵.	۵. مائده، ۸.	۶. فتح، ۹.
۷. بقره، ۲۵.	۸. بقره، ۲۵۰.	۹. انفال، ۶۵.
۱۰. بحار، ج ۲، ص ۲۷۲.	۱۱. کافی، ج ۵، ص ۲۸.	

۲- درخواست هدایت به راه مستقیم، مهم‌ترین خواسته‌ی یکتاپرستان است.

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ... اهدنا الصراط المستقيم﴾

۳- برای دست‌یابی به راه مستقیم، باید دعا نمود. ﴿اهدنا الصراط المستقيم﴾

۴- ابتدا ستایش، آنگاه استمداد و دعا. ﴿الحمد لله... اهدنا﴾

۵- بهترین نمونه استعانت از خدا، درخواست راه مستقیم است. ﴿إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اهدنا

اهدنا الصراط المستقيم﴾

﴿۷﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

(خداوندا! ما را به) راه کسانی که آن‌ها را مشمول نعمت خود ساختی، (هدایت

کن) نه غضب‌شدگان و نه گمراهان!

نکته‌ها:

□ این آیه راه مستقیم را، راه کسانی معرفی می‌کند که مورد نعمت الهی واقع شده‌اند و عبارتند از: انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین.^(۱) توجه به راه این بزرگواران و آرزوی پیمودن آن و تلقین این آرزو به خود، ما را از خطر کجروی و قرار گرفتن در خطوط انحرافی باز می‌دارد. بعد از این درخواست، از خداوند تقاضا دارد که او را در مسیر غضب‌شدگان و گمراهان قرار ندهد. زیرا بنی اسرائیل نیز به گفته قرآن، مورد نعمت قرار گرفتند، ولی در اثر ناسپاسی و لجابت گرفتار غضب شدند.

□ قرآن، مردم را به سه دسته تقسیم می‌نماید: کسانی که مورد نعمت هدایت قرار گرفته و ثابت قدم ماندند، غضب‌شدگان و گمراهان.

□ مراد از نعمت در ﴿انعمت علیهم﴾، نعمت هدایت است. زیرا در آیه‌ی قبل سخن از هدایت بود. علاوه بر آنکه نعمت‌های مادی را کفار و منحرفین و دیگران نیز دارند.

۱. ﴿من يطع الله والرسول فأولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين والصدّيقين والشهداء والصالحين﴾،

کسانی که خدا و رسول را پیروی کنند، آنان با کسانی هستند که خدا آن‌ها را نعمت داده است، از پیامبران، راستگویان، شهدا و صالحان. نساء، ۶۹ و آیه ۵۹ سوره مریم.

■ هدایت شدگان نیز مورد خطرند و باید دائماً از خدا بخواهیم که مسیر ما، به غضب و گمراهی کشیده نشود.

مغضوبین در قرآن

در قرآن، افرادی همانند فرعون و قارون و ابولهب و امت‌هایی همچون قوم عاد، ثمود و بنی اسرائیل، به عنوان غضب شدگان معرفی شده‌اند.^(۱) بنی اسرائیل که داستان زندگی و تمدن آنها در قرآن بیان شده است، زمانی بر مردم روزگار خویش برتری داشتند؛ «فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»^(۲) لکن بعد از این فضیلت و برتری، به خاطر کردار و رفتار خودشان، دچار قهر و غضب خداوند شدند و «بَاؤُوا بِغَضَبِ مَنْ اللَّه»^(۳) این تغییر سرنوشت، به علت تغییر در رفتار و کردار آنان بوده است. دانشمندان یهود، دستورات و قوانین آسمانی تورات را تحریف کردند، «يَحْرِفُونَ الْكَلِمَ»^(۴) و تجارت و ثروتمندان آنان نیز به ربا و حرام‌خواری و رفاه‌طلبی روی آوردند، «اخْذَهُمُ الرَّبُّ»^(۵) و عامه مردم نیز در برابر دعوت به جهاد و مبارزه، از روی تن‌پروری و ترس، از رفتن به جبهه نبرد و ورود به سرزمین مقدس، سر باز زدند. «فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»^(۶) به خاطر این انحرافات، خدا آنان را از اوج عزت و فضیلت، به نهایت ذلت و سرافکندگی مبتلا ساخت.

۱. در آیات متعددی از قرآن ویژگی‌های گمراهان و غضب شدگان و مصادیق آنها بیان شده است که برای نمونه به موارد ذیل اشاره می‌شود:

- * منافقان و مشرکان و بدگمانان به خداوند. نساء، ۱۱۶ و فتح، ۶.
 - * کافران به آیات الهی و قاتلان انبیاء الهی. بقره، ۶۱.
 - * اهل کتاب که در برابر دعوت به حق سرکشی کرده‌اند. آل عمران، ۱۱۰ - ۱۱۲.
 - * فراریان از جهاد. انفال، ۱۶.
 - * پذیرندگان و جایگزین کنندگان کفر با ایمان. بقره، ۱۰۸ و نحل، ۱۰۶.
 - * پذیرندگان ولایت دشمنان خدا و دوستداران رابطه‌ی با دشمنان خدا. ممتحنه، ۱.
۲. بقره، ۴۷. ۳. بقره، ۶۱. ۴. نساء، ۴۶.
۵. نساء، ۱۶۱. ۶. مائده، ۲۴.

ما در هر نماز، از خداوند می‌خواهیم که مانند غضب‌شدگان نباشیم. یعنی نه اهل تحریف آیات و نه اهل ربا و نه اهل فرار از جهاد در راه حق، و همچنین از گمراهان نباشیم، آنان که حق را رها کرده و به سراغ باطل می‌روند و در دین و باور خود غلو و افراط کرده و یا از هوی و هوس خود و یا دیگران پیروی می‌کنند.^(۱)

■ انسان در این سوره، عشق و علاقه و تولای خود را به انبیا و شهدا و صالحان و راه آنان، اظهار و ابراز داشته و از مغضوبان و گمراهان تاربخ نیز برائت و دوری می‌جوید و این مصداق تولی و تبری است.

ضالین در قرآن

■ «ضاللت» که حدود دویست مرتبه این واژه با مشتقاتش در قرآن آمده است. گاهی در مورد تحیر بکار می‌رود، ﴿وَجَدَكَ ضَالًّا﴾^(۲) و گاهی به معنای ضایع شدن است، ﴿اضلّ اعمالهم﴾^(۳) ولی اکثراً به معنای گمراهی و همراه با تعبیرات گوناگونی نظیر: ﴿ضلال مبین﴾، ﴿ضلال بعید﴾، ﴿ضلال قدیم﴾ به چشم می‌خورد.

■ در قرآن افرادی به عنوان گمراه معرفی شده‌اند، از جمله: کسانی که ایمان خود را به کفر تبدیل کردند،^(۴) مشرکان،^(۵) کفار،^(۶) عصیان‌گران،^(۷) مسلمانانی که کفار را سرپرست و دوست خود گرفتند،^(۸) کسانی که مردم را از راه خدا باز می‌دارند، کسانی که به خدا یا رسول خدا توهین می‌کنند، آنان که حق را کتمان می‌کنند و

۱. ﴿قل یا أهل الكتاب لا تغلوا فی دینکم غیر الحق ولا تتبعوا أهواء قوم قد ضلّوا من قبل وأضلّوا من قبل و أضلّوا عن سواء السبیل﴾ بگو: ای اهل کتاب! در دینتان به ناحق غلو نکنید و به دنبال خواهش‌های گمراهان پیش از خود نروید، که آنان افراد زیادی را گمراه کرده و از راه راست گمراه شده‌اند.
مأثده، ۷۷. ۲. ضحی، ۷. ۳. محمد، ۱.

۴. ﴿من یتبدّل الکفر بالایمان فقد ضلّ سواء السبیل﴾ بقره، ۱۰۸.

۵. ﴿و من یشک بالله فقد ضلّ ضلالا بعیدا﴾ نساء، ۱۱۶.

۶. ﴿و من یکفر بالله... فقد ضلّ﴾ نساء، ۱۳۶.

۷. ﴿و من یعص الله و رسوله فقد ضلّ﴾ احزاب، ۳۶.

۸. ﴿لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء... و من یفعله منکم فقد ضلّ سواء السبیل﴾ ممتحنه، ۱.

کسانی که از رحمت خدا مأیوسند.

□ در قرآن نام برخی به عنوان گمراه کننده آمده است، از قبیل: ابلیس، فرعون، سامری، دوست بد، رؤسا و نیاکان منحرف.

□ گمراهان خود بستر وزمینه‌ی انحراف را فراهم و گمراه کنندگان از این بسترها و شرایط آماده، استفاده می‌کنند. بسترهای انحراف در قرآن عبارتند از: هوسها،^(۱) بت‌ها،^(۲) گناهان^(۳)، پذیرش ولایت باطل،^(۴) جهل و نادانی.^(۵)

پیام‌ها:

- ۱- انسان در تربیت، نیازمند الگو می‌باشد. انبیا، شهدا، صدّیقین و صالحان، نمونه‌های زیبای انسانیت‌اند. «صراط الذین انعمت علیهم»
- ۲- آنچه از خداوند به انسان می‌رسد، نعمت است. قهر و غضب را خود به وجود می‌آوریم.^(۶) «انعمت، المغضوب علیهم»
- ۳- ابراز تنفر از مغضوبان و گمراهان، جامعه اسلامی را در برابر پذیرش حکومت آنان، مقاوم و پایدار می‌کند. «غیر المغضوب علیهم ولا الضّالّین»^(۷)

۱. «اتَّخَذَ اللَّهُ هَوَاهُ وَاضْلَهُ اللَّهُ» جاثیه، ۲۳.

۲. «جَعَلُوا لِلَّهِ انْدَاداً لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ» ابراهیم، ۳۰.

۳. «وَمَا يَضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ» بقره، ۲۶.

۴. «إِنَّهُ مِنْ تَوَلَّاهُ فَإِنَّهُ يَضِلُّهُ» حج، ۴.

۵. «وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ» بقره، ۱۹۸.

۶. درباره نعمت «أَنْعَمْتَ» بکار رفته، ولی در مورد عذاب، نفرمود: «غَضِبْتَ» تو غضب کردی.

۷. قرآن سفارش کرده است: «لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» هرگز سرپرستی گروه غضب شدگان الهی را نپذیرید. ممتحنه، ۱۳.